



همه چیز درباره زیارت

نشریه خبری اطلاع رسانی
بعثه مقام معظم رهبری

دعا و توجه به خدا
فطری است ۲

نیت چیست؟ ۶

آثار یاد خداوند ۲

شب نورانی مدینه در پرتو مناجات امیر المؤمنین و دعای کمیل

دومین دعای کمیل جمعی زائران ایرانی با حضور بیش از ۱۶ هزار زائر ایرانی حاضر در مدینه منوره پنجشنبه شب در جوار حرم مطهر حضرت رسول (ص) و ائمه بقیع (ع) برگزار می شود. حسین مظفر، معاون هماهنگی تبلیغات و امور رسانه بعثه رهبری، گفت: این مراسم باشکوه با حضور بیش از ۱۶ هزار زائر ایرانی حاضر در مدینه منوره ساعت ۲۲:۳۰ به وقت محلی و ۲۲ به وقت ایران در بین الحرمین مدینه منوره برگزار خواهد شد. معاون هماهنگی تبلیغات و امور رسانه بعثه مقام معظم رهبری گفت: بر اساس هماهنگی های بسیار خوب بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت، اولین دعای کمیل زائران ایرانی شب جمعه هفته گذشته (۲۰ شهریور ماه) در مدینه منوره باشکوه خاصی برگزار شد. وی ادامه داد: این مراسم که با حضور عاشقان کوی دوست (زائران مدینه قبل) در بین الحرمین مدینه منوره برگزار می شود در ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه از شبکه قرآن و معارف سیما، شبکه اول و شبکه تلویزیونی اینترنتی لیبیک پخش می شود. بر اساس قرارداد منعقد شده بین مسئولان حج ایران و عربستان در حج تمتع سال جاری مانند سال های گذشته برای زائران ایرانی حاضر در مدینه چهار دعای کمیل جمعی برگزار می شود که دو مراسم برای زائران مدینه اولی و دو مراسم برای زائران مدینه دومی خواهد بود. معاون هماهنگی تبلیغات و امور رسانه بعثه رهبری نکات قابل توجه زائرانی که در این مراسم بر فیض شرکت می کنند را اعلام کرد. این نکات در پی می آید:

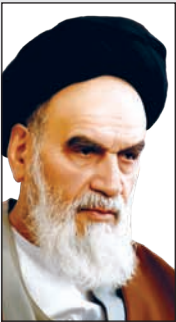
آمار تاخیر پروازهای زائران به مدینه بسیار کاهش یافت

مسئول فرودگاه ستاد مدینه منوره با بیان اینکه ۸۱ پرواز تاکنون برای اعزام زائران ایرانی به سرزمین وحی صورت گرفته است، تعداد پروازها و زمان تاخیر آن ها را نسبت به سال گذشته بسیار اندک دانست. مسوول فرودگاه ستاد مدینه منوره گفت: به جز یک پرواز که با تاخیری طولانی مواجه شد، بخش زیادی از پروازها حتی زوتر از زمان اعلام شده پرواز کرده اند. وحید اسکندری به میانگین روزانه ورود چهار تا هفت پرواز به مدینه اشاره کرد و ادامه داد: در حال حاضر در سه شیفت سه نفره و ۱۲ ساعته، مأموران ستاد ایران در فرودگاه مستقر هستند و جهت تسریع در تریخیص زائران، تلاش می کنند. وی ادامه داد: این مأموران به محض ورود پرواز با عملیات فرودگاه مدینه هماهنگی های لازم را به عمل آورده و به محض حضور زائران در سالن، از طریق مدیر کاروان مراحل بعدی کار را پیگیری می کنند.

زائران باید حداکثر تا ساعت ۲۱ خود را به محل برگزاری مراسم دعا برسانند. خانم ها در قسمت سمت چپ و آقایان در قسمت سمت راست محل برگزاری مراسم مستقر می شوند. زائران دوربین فیلمبرداری با خود نیاورند. زائران به غیر از کتاب دعا و زیارت، وسیله دیگری با خود حمل نکنند؛ زیرا در ورودی های محل برگزاری مراسم، پلیس عربستان مستقر است و عملیات بازرسی را انجام می دهند. به زائران زن توصیه می شود کیف خود را همراه نیاورند، زیرا پلیس مرد در ورودی های محل برگزاری دعای کمیل اقدام به بازرسی می کنند. زائران عزیز توجه داشته باشند نیروهای نظامی عربستان که در ورودی های محل برگزاری دعای کمیل مستقر می شوند، صرفاً جهت امنیت مراسم حضور دارند و جای هیچ گونه نگرانی وجود ندارد و افراد به راحتی می توانند وارد محل برگزاری دعای کمیل شوند. زائران از آوردن نذورات پرهیز کنند، تا نظافت محل برگزاری مراسم حفظ شود. مدیران کاروان ها علامت کاروان را در زمان برگزاری مراسم برافراشته نگاهدارند. زائران از داخل حرم نبوی وارد محل برگزاری این مراسم نشوند، بلکه باید از طرف خیابان های اطراف به سمت محل برگزاری حرکت کنند. زائران کارت شناسایی خود را برای شرکت در مراسم دعای کمیل به همراه داشته باشند. زائران یک بطری آب نیم لیتری همراه خود داشته باشند. زائران شرکت کننده در مراسم دعا در مسیر رفت، در مسیر برگشت یا هنگام استقرار در محل برگزاری مراسم از سر دادن هر گونه شعار و حتی صلوات پرهیز کنند، تا نظم مراسم حفظ شود. زائران پس از پایان مراسم، هنگام بازگشت به اقامتگاه ها به مقررات راهنمایی و رانندگی و عبور از خیابان توجه کنند تا احیاناً دچار تصادف نشوند.

ماهنامه

مبادا که قرآن مهجور شود



به زائران محترم تذکر می دهیم که در این واقف معظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره، از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است.

از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان پارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که پتیبان کل شیء [۱] است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع خوطب به [۲] از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت های قلبیه، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواستیم مبادا که مهجور شود.



تحمل برای خدا

رسول خدا (ص): آنکس که ساعتی ذلت و سختی فرا گرفتن علم الهی را تحمل نکند و با حقارت موقت آن کنار نیاید برای همیشه در نادانی ذلت می ماند و یک عمر با خواری جهل به سر می برد.
بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۵۷



طریقه

دعا و توجه به خدا فطری است

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

و هنگامی که بر کشتی سوار می شوند خدا را می خوانند، و از اعماق جان می خوانند، و چون به خشکی رسانند نجاتشان داد، به ناگاه شرک می ورزند. (عنکبوت - ۶۵)

فطرت در انسان، همان غریزه است در حیوانات. حس گرسنگی و تشنگی و... غریزی است و عشق به آگاهی از هستی، حقیقت جویی، حس شکرگزاری، گرایش به فضایل انسانی و زیبایی دوستی و گرایش به کمال مطلق، که در علم روان شناسی از آنها به حس کنجکاوی و حس زیبایی و حس نیکی و حس مذهبی یا عرفانی تعبیر می شود، امور فطری است، یعنی مربوط به نوع آفرینش انسان است و آفرینش انسان اقتضای آن را دارد.

به تعبیر قرآن، دعا و نیایش و ابراز نیاز به خداوند نیز از جمله گرایش ها و احساسات فطری انسان هاست، یعنی در همه افراد انسان یافت می شود و در طی تاریخ ثابت شده و نیازی به تعلیم و تعلم ندارد، خصوصاً در هنگام برخورد با مشکلات و در میدان های سخت زندگی. از جمله آباتی که فطری بودن دعا و تضرع به درگاه خداوند از آنها استفاده می شود که انسان ذاتاً و از درون پیوندی ناگسستنی با خداوند دارد و این پیوند به هنگام بروز شداید و بلاها خود را نشان می دهد. انسان دعایی غریزی و درخواستی فطری دارد که بازبان فطرتش از پروردگارش حاجت می خواهد؛ لکن هنگامی که غرق نعمت و رفاه است، دلش به اسباب ظاهری و مادی خوش است، و آن اسباب را شریک پروردگارش می گیرد و امر او مشتبه می شود و خیال می کند که از پروردگارش چیزی نمی خواهد و دعایی نمی کند، اما وقتی این وسایل از کار می افتد و گرفتاری ها روی می آورد، آن وقت می فهمد که جز خدا کسی برآورنده حاجتش و جوابگوی در خواستش نیست. از این رو، مجدداً به توحید فطری اش برمی گردد و همه اسباب را از یاد می برد و روی دل سوی خداوند کریم می کند.

آثار یاد خداوند

بزرگ، عبادت است، و یاد من عبادت است، و یاد علی عبادت است و یاد امامان از فرزندان او عبادت است. از حضرت صادق (ع) در تفسیر قول خداوند (که فرموده است) آگاه باشید با یاد خداوند دلها آرامش پیدا می کند، نقل شده است که به حضرت محمد (ص) دلها آرام می گیرد و او ذکر خداوند و واسطه میان خالق و خلق است.

بعضی از آثار یاد پیامبر و اهل بیت صلی الله علیهم اجمعین
۱- حضور ملائکه در مجلسی که یاد معصومین (ع) بشود. حضرت صادق (ع) می فرماید: به تحقیق برای خداوند ملائکه ای است غیر از نویسندگان بزرگوار اعمال که مأموریتشان آن است که می گردند، پس هر گاه به جمعی رسیدند که مشغول یاد کردن از محمد و آل محمد (ص) می باشند پس می گویند: توقف کنید به آن چه می خواستید رسیدید، پس می نشینند و بصیرت و آگاهی پیدا می کنند و وقتی مجلس تمام می شود مریض های آنان را عیادت کرده و در تشییع جنازه آنان حاضر می شوند و با کسبانی از آنان که از زندگی و زن و فرزندانشان دور می شوند هم قسم اند که از او دفاع کنند، پس چنین مجلسی است که حاضر شونده در آن شقی و بدبخت نمی شود.

۲- معطر شدن مکانی که در آن نام و یاد آنان می شود.

از ام المومنین ام سلمه نقل شده: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمودند: هیچ گروهی اجتماع نمی کنند که فضایل علی بن ابی طالب (ع) را بازگو نمایند مگر آن که عده ای از ملائکه آسمان آنها را احاطه می کنند تا زمانی که متفرق می شوند.

ذکر و یاد خداوند از لفظ گذشته و باید در جان و دل ذاکرن رسوخ و در اعمال و رفتار آنها ماندگار و تأثیر گذار باشد. چنانچه هدف از ذکر، درک حضور دائمی حضرت حق در همه لحظه ها و صحنه های زندگی است. اگر چنین شد آثار و لوازمی به همراه خواهد داشت که اهم آن عبارتند از:

۱- آرامش خاطر

یکی از خطراتی که امروزه انسان ها را تهدید می کند و آنان را به امراض مختلف جسمی و روحی گرفتار می سازد استرس ها، اضطراب ها و گرفته شدن آرامش خاطر است که مهمترین درمان آن یاد خداوند است.

أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ، آگاه باشید فقط با یاد خداوند است که دلها آرام می شود.

۲- اصلاح ظاهر و باطن

حضرت علی (ع) می فرماید: هر کس دلش را با همیشه به یاد خداوند بودن آباد سازد کارهایش در پنهان و آشکار اصلاح خواهد شد.

۳- تغذیه روحی (بالا رفتن قدرت روحی)

حضرت علی (ع) می فرماید: همیشه با یاد خداوند بودن غذای روح است.

۴- بهره مند شدن از الطاف خاص خداوند

فاذکرونی اذکرکم، پس به یاد من باشید تا من هم از شما یاد کنم.

۵- دور شدن شیاطین

حضرت علی (ع) می فرماید: یاد خداوند دور کننده شیطان است.

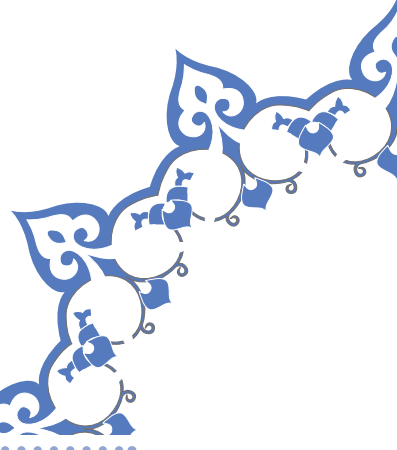
کسانی که ذکر و یاد آنان در راستای ذکر و یاد خداوند و عبادت است.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: یاد خداوند عزیز و



از ام المومنین ام سلمه نقل شده: از رسول خدا (ص) شنیدم: هیچ گروهی اجتماع نمی کنند که فضایل علی (ع) را بازگو نمایند مگر آن که عده ای از ملائکه آسمان آنها را احاطه می کنند تا زمانی که متفرق می شوند.





جنگ بار رسول خدا

رسول خدا (ص): خداوند
متعال فرموده: هر کس به
یکی از دوستان من اهانت
کند به جنگ با من کمین
کرده است و من از هر چیزی
بیشتر به کمک دوستانم
می شتابم.
اصول کافی جلد ۴ صفحه ۵۳



دوره جدید - شماره ۸
۲۸ شهریور ۱۳۹۳
۲۲ ذی القعدة ۱۴۳۵
18 September 2014

نخستین درهای مسجد

حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان

زمانی که مسجدالنبی بنا گردید، برای ورود و خروج چند در تعبیه شد تا سال سوم هجرت، برخی از اصحاب که از شخصیت والایی برخوردار بودند، در حاشیه مسجد خانه می ساختند. این خانه‌ها دری به بیرون و دری نیز به درون مسجد داشت. در سال سوم هجرت، قبل از غزوه احد، فرمانی از سوی رسول خدا (ص) صادر شد که همه درها بسته شود مگر در خانه علی (ع) «سدوا الابواب الا باب علی». «رفت و آمد به مسجد، از طریق درهایی بود که هر یک تحت عنوانی نامگذاری شده بود. تعداد این درها به مرور زمان کم و زیاد شده است؛ با این حال برخی از درهای موجود در برابر همان درهای نخستین است.

۱- باب الرحه

این در، در دیوار غربی مسجد قرار دارد. نامگذاری این در به «در رحمت» برگرفته از حدیثی از رسول خدا (ص) است که به درخواست شخصی که از این در وارد شده بود، از خداوند طلب نزول باران کرد و پس از هفت روز، طبق درخواست همان شخص که از همین در آمده بود، تقاضای قطع باران شد. این در را «باب عاتکه» نیز می نامیدند.

۲- باب جبرئیل

این در، مدخل ورودی رسول خدا (ص) بوده و در دیوار شرقی مسجد قرار دارد. زمانی به باب النبی نیز شهرت داشته است. روایتی دلالت بر آن دارد که رسول خدا (ص) در مدخل این در با جبرئیل ملاقات کرد و سخن گفت و از این رو به باب جبرئیل نامگذاری شد.



۳- باب السلام

این در نیز در دیوار غربی مسجد قرار دارد و از زمان بنای نخستین مسجد وجود داشته است.

۴- باب النساء

یکی از درهای مهم مسجد که در زمان توسعه آن در عهد خلیفه دوم ایجاد شد، باب النساء بود که هنوز هم به همین نام شهرت دارد.

این در اختصاص به رفت و آمد زن‌ها به مسجد داشته است. علاوه بر اینها، در توسعه‌های بعدی ده‌ها در جدید به مسجد افزوده شد. گفتنی است که در توسعه‌های بعدی، درهای جدید روبه‌روی محل درهای قدیم ساخته شده است.

مناره‌های مسجد

بنای نخستین مسجد و توسعه‌های بعدی آن تا زمان ولی

بن عبدالملک، هیچ گونه مناره‌ای را در مسجد نشان نمی دهد. در آن زمان مؤذن تنها بر بام مرتفعی قرار می گرفته و ندای اذان سر می داده است. در توسعه زمان ولید، چهار مناره بر چهار گوشه مسجدالنبی ساخته شد. این مناره‌ها در گذر زمان جای خود را به مناره‌های بزرگ‌تر و مستحکم‌تری داده است. مناره‌های جدیدی به دست سلطان قایتبای ساخته شد که در توسعه جدید برخی از آنها از میان رفته و برخی باقی مانده است. مناره‌های جدیدی نیز برای مسجد ساخته شده است. چهار مناره اصلی مسجد عبارتند از: مناره‌های سلیمانیه و مجیدیه که در دو سوی ضلع شمالی قرار گرفته؛ مناره‌های قایتبای و باب‌السلام که در دو سوی ضلع جنوبی (قبله) قرار دارد. در حلال حاضر مناره‌های دیگری نیز بر آنچه بوده، افزوده شده است.

فاطمه بنت اسد؛ مادر امیر المؤمنین (ع)

مسلمانان جایگاه ویژه‌ای یافت. پیامبر (ص) در تمامی دوران زندگی شریف خود فاطمه بنت اسد را گرمی می داشت و مقام والایش را می ستود و در هر فرصتی که برایش مهیا می شد، به دیدار او می رفت. پس از درگذشت فاطمه بنت اسد، پیامبر (ص) با تأثر بسیار به امیر المؤمنین علی (ع) فرمود: «ای علی! فاطمه تنها مادر تو نبود، مادر من نیز بود.»

در گذشت مادر، تأثیری عمیق بر روح و روان علی (ع) به جای گزارد؛ چرا که مادری همچون فاطمه بنت اسد را از دست داده بود. علی (ع) پیرامون آن روزهای تلخ می فرماید: «هنگامی که فاطمه بنت اسد دیده از جهان فرو بست، پیامبر با پیراهن خود او را کفن کرد و بر او نماز گزارد و ۷۰ مرتبه بر او تکبیر گفت و سپس داخل قبر شد.

هنگامی که از قبر بیرون آمد، بشدت می گریست. عمر بن خطاب از این رفتار پیامبر شگفت‌زده شد و گفت: می بینم به گونه‌ای با این زن رفتار می کنی که تاکنون با احدی رفتار نکرده‌ای؟! پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «این زن پس از مادری که مرا به دنیا آورد، مادر من بود. ابوطالب هنگام غذا، غذا را میان من و فرزندان خویش مساوی تقسیم می کرد اما این زن، بخشی از آن را بیشتر می کرد و به من می داد.»

بیش از هشت‌بهار از عمر شریف پیامبر (ص) نگذشته بود که پدر بزرگ مهربانش (عبدالملک) از دنیا رفت و محمد (ص) نوشکفته را با دریایی از غم و اندوه تنها گذاشت. دوران تلخ تنهایی، قلب محمد (ص) را بشدت می آزد. پیش از ولادت، پدرش عبدالله دیده از جهان فرو بسته بود و هنوز طعم شیرین مادر داشتن را نچشیده بود که دست‌روز گار، آغوش پر مهر مادر را نیز از او دریغ کرده بود. پس از مادر، در این دنیای سرد و بی روح، تنها دل به محبت جد بزرگوارش داده بود که او نیز در جوار رحمت الهی آرامید. اما عمویش ابوطالب، دست‌گرم و پر مهر خود را به سوی او دراز کرد و زن عموی با کرامتش فاطمه بنت اسد که از پاک‌ترین زنان روزگار خود بود، چون مادری مهربان، آغوش به رویش گشود. پیامبر نیز او را به عنوان مادر پذیرفت و با او انس گرفت. فاطمه نیز بالاتر از مادری، زندگی خود و فرزندانش را پیش پای پیامبر رحمت (ص) ریخت و به تعبیر رسول‌الله (ص)، او را همیشه بر فرزندان خود، مقدم می داشت.

رفتار و عاطفه جوشان فاطمه بنت اسد موجب شد رسول خدا (ص) دردی باریک‌تری را کمتر احساس کرده و در گرمای مهر و عطوفت فاطمه بنت اسد (س) آرام گرفته و نه تنها در کودکی، بلکه در تمام عمر، یاد محبت‌های مادرانه فاطمه بنت اسد قلبش را گرما بخشید. با بعثت پیامبر رحمت، فاطمه بنت اسد یکی از نخستین کسانی بود که اسلام را پذیرفت و در میان



اراده خیر خداوند

رسول گرامی (ص): وقتی خداوند درباره کسی اراده خیر فرماید وی را در امر دین فقیه و دانا می کند و به دنیا و علائق مادی کم اعتنائش می کند و او را به عیوبات اخلاقیش بینا و آگاه می سازد.
نهج الفصاحه صفحه ۲۶

همه چیز درباره زیارت

ابوالفضل هادی منش

تکریم، گرمی و یاد کردن انسان های شایسته، فرهنگ ساز، نقش آفرین، مصلح، متحول کنندگان تاریخ و نیز زنده نگه داشتن نام و یاد آنها پس از مرگ لازمه محبت، عشق و ارادت انسان، نیکی ها و کمالات است و ریشه در فطرت آدمی دارد. ما معتقدیم که اولیاء خدا و ائمه معصومین پس از مرگ هم دارای حیات هستند و مرگ آنها را از ما جدا نکرده است و در واقع حیات اولیا پس از مرگ بدین معناست که تمامی آثار و برکات حال حیات، بعد از غیبت و مرگ ظاهری هم با همه خصوصیاتش وجود دارد و هرگز جدایی ارواح مطهر آنان از بدن خاکی مانع هدایت و خیر رسانی آنها نخواهد بود و لذا همان گونه که اگر انسان ها در زمان حیات پیامبر (ص) برای طلب رحمت و مغفرت الهی به محضر ایشان تشریف می یافتند تا برای آنها استغفار کند و مشمول رحمت الهی شوند پس از رحلت نیز همین حالت وجود دارد. چنانکه در زیارت پیامبر (ص) نیز آمده است: اگر در حال حیات شما موفق به زیارت و دیدار نشدم اکنون قصد حرم شما کرده ام و اعتقاد دارم که حرمت شما در حال ممات مانند حرمت شما در حال حیات است پس می خواهم شما شاهد بر احوالات من باشید. بنابراین زیارت اولیاء خدا به ویژه زیارت حرم نبوی پس از زیارت خانه خدا نوعی عرضه ایمان بر صاحب شریعت و اوصیاء است. و تجدید عهد و پابندی به اصول اسلام و تجلیل و تکریم نسبت به یاران باوفای پیامبر است.

ایجاد ارتباط با خدا

خود این موضوع از فلسفه زیارت به شمار می رود، حضور در بارگاه اهل بیت و درک فضای معنوی آن اماکن، انسان را به مراتب کمال می رساند و تعالی می بخشد. لذا پروردگار متعال از انسان های با ایمان خواسته است که برای تقرب به درگاهش برای خود وسیله و اسباب فراهم آورند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاتَّقُوا إِلَهَ الرَّسُولِ».

در تفسیر کلمه وسیله آمده است، وسیله عبارت است از مقامی که رسول خدا (ص) نزد پروردگارش دارد و آن جناب به وسیله آن مقام می تواند به درگاه خدای تعالی تقرب جوید و آل طاهرینش و بعد از آنان صالحان از امتش به آن جناب ملحق می شوند، همچنان که در بعضی از

روایات وارده از آل محمد (ص) آمده که رسول خدا (ص) دست به دامان پروردگارش می زند و مادست به دامان او می زنیم و شما (شیعیان) دست به دامان ما می زنید. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم خداوند اولیائش را وسیله و دستاویز به سوی خودش و بهشت خشنودیش قرار داده است «وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ» و در زیارت امیرالمؤمنین (ع) چنین آمده است: بارالها بنده و زائرت به سوی تو، به واسطه زیارت قبر برادر پیامبر (ص) تو، به تونزدیک می شود بر هر میزبان حقیقی است برای کسی که بر او وارد شده و به زیارتش آمده است و در حقیقت تو بهترین و باکرامت ترین زیارت شده هستی. به همین جهت است که پیامبر (ص) فرمود: کسی که مرا چه در حیات و چه بعد از وفاتم زیارت کند در واقع خدا را زیارت کرده است.

تعظیم شعائر مذهبی

زیارت اولیای خدا موجب تعظیم شعائر دین است و یکی از مصادیق «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» حضور در اماکن مذهبی است. در تفسیر این آیه شریفه آمده است تمام آنچه در برنامه های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آیین او می اندازد شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوای دلهاست.

زیارت با معرفت

معرفت و شناخت مقام و موقعیت زیارت شونده موجب کمال زیارت است و اعمال بی روح دارای اثر نیست، به همین دلیل در احادیث بسیاری معرفت و آگاهی از منزلت کسی که به زیارتش می روی مورد تأکید قرار گرفته است. حضرت علی (ع) فرمود: آن کس که از ما و مقام ما شناخت و آگاهی نداشته باشد وارد بهشت نخواهد شد. و امام صادق (ع) فرمود: کسی که با شناخت نسبت به جایگاه و حق امام حسین (ع) به زیارتش برود مثل آن است که در عرش، خدا را زیارت نموده باشد. البته آگاهی و شناخت انسان هان نسبت به مقام اهل بیت متفاوت است. ۱- گاهی آن قدر معرفت تکامل یافته



معرفت و شناخت مقام و موقعیت زیارت شونده موجب کمال زیارت است و اعمال بی روح دارای اثر نیست، به همین دلیل در احادیث بسیاری معرفت و آگاهی از منزلت کسی که به زیارتش می روی مورد تأکید قرار گرفته است



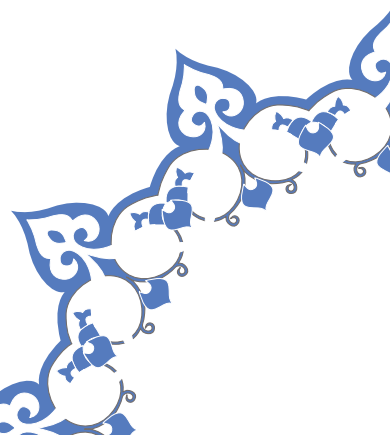
است که عارف به درجه اولیاء و شیعیان خاص ائمه رسیده است مانند سلمان فارسی.

۲- گاهی معرفتش در این حد است که فقط کمالات و مدارج عالی آنها را بفهمد مانند مقام علم و تقوا که این مخصوص عرفا، حکما و فقهاست نه هیچ کس دیگر.

۳- اقرار به امامت، این مقام را مردم عادی هر کدام به اندازه استعداد خود دارا هستند و معرفت و شناخت نسبت به اهل بیت این امتیازات را به انسان می دهد: به عبادات و اعمال و مجاهداتش اصالت و محتوا می دهد. انسان را در مسیر تکامل و تعالیش یاری می رساند و انسان را از گرفتار شدن در انحرافات عقیدتی و فکری مصون می دارد.

زیارت، اظهار وفاداری نسبت به ائمه

شیعیان نسبت به هر یک از امامان معصوم پیمان و تعهدی دارند که کمال وفاداری به آن عهد در زیارت مشتاقانه و عارفانه قبول آن ذوات نورانی است. امام رضا (ع) فرمود: «قَالَ إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ إِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حَسَنِ الْإِدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ، فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِّقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أُمَّتَهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» این حدیث بیانگر نکاتی است: ۱- زیارت قبر امام نشانه وفاداری و تعهد به مقتدا و پیشواست. سخنگوی نهضت پیامبر، بسال حبشی در دوران اقامت خویش در شام، رسول خدا (ص) را در خواب دید که به او می گوید ای بلال! این چه جفایی است، آیا هنگام آن نرسیده است که به زیارت من نائل آبی؟ در این روایت، ترک زیارت قبر مطهر پیامبر (ص) جفا نامیده شده، طبعاً زیارت آن وفای به عهد خواهد بود. ۲- زیارت باید همراه با رغبت، شوق و عشق قلبی به مزبور باشد «رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ» ۳- زیارت باید همراه با تصدیق قلبی به چیزهایی باشد که مزبور بدان رغبت داشته و مورد علاقه وی بوده و در راه آن فداکاری کرده است. امید است این مطالب انگیزه بیشتری در زائران در راستای زیارت عارفانه تر اماکن زیارتی مدینه منوره ایجاد کند.



بدترین مردم

رسول خدا (ص): بدترین مردم کسی است که آخرت خود را به دنیای خویش بفرشد و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به خاطر دنیای دیگران از دست بدهد و تباہ کند.
سخنان ۱۴ معصوم جلد ۴
صفحه ۱۰۸



دوره جدید - شماره ۸
۲۸ شهریور ۱۳۹۳
۲۲ ذی القعدة ۱۴۳۵
18 September 2014

بخش دوم

س. آیا برای کسی که خودش مُحرم نیست جایز است چیزی روی سر مرد مُحرمی بیندازد، مثلاً مُحرمی که خوابیده پتورا روی سر او بیندازد و چنانچه خودش مُحرم باشد، چه حکمی دارد؟

ج: بر مُحرم پوشاندن سر خودش حرام است خواه خودش بپوشاند یا به دیگری دستور دهد که سر او را بپوشاند، ولی پوشاندن سر دیگری ولو مُحرم باشد از محرمات احرام نیست.

س. اگر مرد مُحرم به غیر مُحرم بگوید وقتی که خواب رفتم، پتورا روی سرم بینداز چه حکمی دارد؟ و بر فرض که او هم به این درخواست عمل کند کفارہ واجب می شود یا نه و بر فرض وجوب کفارہ بر عهده چه کسی است؟

ج: مُحرم مجاز به چنین درخواستی از دیگری نیست، و اگر آن شخص به درخواست مُحرم عمل کند، ثبوت کفارہ معلوم نیست، و در هر صورت بر آن شخصی که درخواست را انجام داده کفارہ ای نیست.

س. آیا پناه گرفتن از باران در حال حرکت در شب برای مُحرم (به مثل چتر یا ماشین مسقف) جایز است؟

ج: به احتیاط واجب باید ترک کند، مگر آنکه بر او حرجی باشد، که در این صورت برایش جایز است، ولی باید به احتیاط واجب کفارہ تقذیل (زیر سایه رفتن) را بپردازد.

س. گاهی باران به صورت قطرات ریز و ضعیف (نم نم) می بارد؛ به گونه ای که بسیار کم است و بیشتر از چند دقیقه طول نمی کشد. آیا این از جمله مواردی است که زیر سایه بان رفتن برای باران جایز نیست؟

ج: در صورتی که به اندازه ای نباشد که بر زمین سفت جاری شود، حکمی ندارد. گر چه احتیاط آن است که به خاطر آنچه عرفا به آن باران می گویند - گر چه به مقداری نباشد که بر زمین جاری شود - زیر سایه بان نروند.

س. آیا در صورت تکرر پوشاندن سر کفارہ نیز تکرار می شود؟ ج: احتیاط تکرر کفارہ در صورت تکرر ستر است مطلقاً.

س. اگر مُحرم با زن خود ملاعبه کند و منی خارج نشود، کفارہ آن چیست؟ ج: کفارہ ملاعبه منتهی به ابراء یک شتر است.

س. آیا در وجوب کفارہ بوسیدن فرقی بین با شهوت و بدون شهوت می باشد و آیا خروج منی نیز شرط است؟ ج: کفارہ بوسیدن همسر اگر با شهوت باشد، شتر است و اگر بدون شهوت باشد گوسفند و ظاهراً بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفارہ هم ندارد.

س. چنانچه بعد از وقوفین و قبل از اتمام طواف نساء حاجی جماع کند، حکمش چیست؟



فتاوی رهبر معظم انقلاب

محرمات احرام

ج: اگر ما بین مشعر و اتمام طواف نساء آمیزش جنسی شود حیج صحیح است و فقط باید کفارہ بدهد، ولی اگر پس از طواف نساء باشد کفارہ هم ندارد. در باب حکم اثنای طواف نساء و این که آیا عبور از نصف در حکم تمام طواف است یا عبور از شوط پنجم، میان فقها بحث است که محل ابتلاء نیست.

س. در منطقه خلیج فارس مرسوم است که زنان صورتشان را می پوشانند؛ به این صورت که با تکه پارچه ای جدا از چادر که «پوشیه» نامیده می شود، صورت را می پوشانند.

الف. حکم پوشاندن صورت با آن در حال احرام چیست؟ ب. آیا در صورتی که پوشیه به چادر دوخته شده باشد و قسمتی از چادر محسوب شود، حکمش فرقی می کند؟

ج: اگر برای زن جایز باشد در حال احرام با چادر یا پوشیه صورتش را بپوشاند، آیا واجب است آن را از صورت دور کند و از برخورد آن به صورت جلوگیری کند؟

د. اگر چادر را به گونه ای درست کند که تکه ای اضافی از همان پارچه بدون دوختن به آن متصل باشد، آیا جایز است این قسمت اضافی را جلوی صورتش آویزان کند؟

ج: جایز نیست زن در حال احرام صورتش را بپوشاند، چه با چادر باشد چه با پوشیه و فرقی ندارد که پوشیه به چادر دوخته شده باشد یا از آن جدا باشد؛ و نیز پوشاندن صورت با تکه پارچه ای از جنس

خود چادر - چه متصله آن باشد و چه جدای از آن - جایز نیست. بله، زنان می توانند چادر، پوشیه، مقنعه یا هر لباس دیگری را از سر خود آویزان کنند، به گونه ای که قسمتی از پیشانی و صورت را تا محاذات بالای بینی بپوشانند. ولی احوط آن است که نگذارند این پوشش به صورت برخورد کند.

س. آیا استفاده از گوشی تلفن ثابت و همراه به صورت معمولی، پوشاندن گوش شمرده می شود که با این کار پوشاندن سر - که در حال احرام ممنوع است محسوب شود؟ حکم گوشی کوچکی (هدست و مانند آن) که با تلفن همراه استفاده می شود چیست؟ ج: استفاده از تلفن همراه یا گوشی تلفن ثابت یا گوشی تلفن همراه در حال احرام اشکال ندارد.

س. کسی که به توصیه پزشکی از هوای سرد یا مانند آن مجبور است در حال احرام، سر یا گوش را بپوشاند چه حکمی دارد؟ آیا باید کفارہ بدهد؟

ج: اضطراب فقط حکم تکلیفی - یعنی حرمت پوشاندن سر - را برمی دارد؛ اما در مواردی که پوشاندن سر کفارہ دارد، با اضطراب به پوشاندن آن، کفارہ ساقط نمی شود.

س. به نظر شما محدوده شیب بنا بر جایز بودن سایه بر سر گرفتن (تظلیل) در شب، چه مقدار است؟ آیا از غروب آفتاب تا طلوع فجر است یا تا طلوع خورشید؟

ج: مقدار شب در رابطه با حکم سایه بر سر گرفتن، تا طلوع خورشید است. س. اگر مکلفی در حال احرام در منتهی الیه سمت چپ جاده که خط سریع السیر در جاده های ماست و یا در خط وسط با خودرویی سقف دار حرکت می کند و در حال حرکت باران بیارد و به خاطر خطر حوادث رانندگی نتواند توقف کند و رفتن به خطی که توقف در آن ممکن است به مدت زمانی نیاز دارد که باعث می شود از باران سایه بر سر بگیرد، آیا حرکت در این مدت که بیش از چند دقیقه طول نمی کشد تا به منتهی الیه سمت راست برسد؛ موجب کفارہ می شود؟

ج: اگر تا زمان توقف خودرو، سایه بر سر گرفتن از باران در مورد این فرد صدق کند، کفارہ بر او واجب می شود؛ و کفارہ با اضطراب به سایه بر سر گرفتن از باران ساقط نمی شود؛ هر چند در مثل این مورد بعید نیست که سایه بر سر گرفتن اختیاری صدق نکند.

س. استفاده از ماسک هایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده به ذهن می زنند و بند آن را پشت سر می اندازند، که بخش کوچکی از سر را می پوشانند، برای مردان و زنان مُحرم چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از ماسک برای زنان اگر در حد متعارف باشد، مانعی ندارد و انداختن بند آن بر سر برای مردان جایز است.

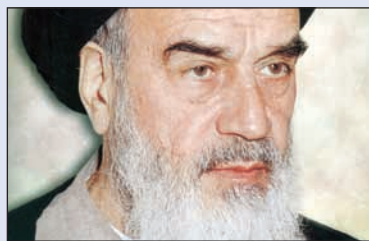
اتحاد و انسجام از دیدگاه امام خمینی (ره)

علی اکبر سبزیان

امام خمینی (ره) به عنوان مصلح و احیاگر اسلام در قرن حاضر، به مسئله وحدت اسلامی عنایتی خاص نموده و گام هایی اساسی برای تحقق آن برداشت و وحدت را ضرورتی عقلی و شرعی برای جامعه اسلامی برشمرد. بررسی آثار امام خمینی (ره) بیانگر این مطلب است که تأکید بر وحدت در آثار ایشان از یک مبنای نظری قوی ریشه می گیرد. برای فهم بهتر موضوع وحدت در اندیشه امام، ابتدا به برخی از ویژگی های کلی آن اشاره می کنیم و سپس به جایگاه والا و راهبردهای تحقق آن می پردازیم. وحدت از دیدگاه امام ویژگی های عمده زیر را دارد:

۱- اعتصام به حبل الله

از نظر امام، هر اجتماعی مطلوب نیست، بلکه تجمعی مطلوب است که حول محور الله باشد. هر اجتماعی مطلوب



نیست، و اعتصام بحبل الله مطلوب است... مردم را دعوت کنید به وحدت و دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند.

۲- مصلحت عمومی مسلمانان

از نظر امام هر گاه مصلح عمومی جامعه اسلامی ایجاد نماید،

باید از اختلافات جزئی به راحتی گذشت و خواسته های فردی و گروهی را فدای مصلح جمع کرد. ایشان در این راستا رساله ای می نویسند و در مواردی عمل به قول اهل تسنن را جایز می دانند.

۳- حفظ اسلام و مصالح آن

یکی دیگر از ویژگی های وحدت در اندیشه امام، حفظ اسلام و رعایت مصالح آن است، بدین معنا که اسلام و احکام آن باید حفظ شود و وحدت و اتحاد مسلمانان در راه حفظ این امور است. به عبارت دیگر، اساس، حفظ اسلام است و وحدت، ابزاری برای تحقق آن است. ایشان در این زمینه می فرماید:

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلامی است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است.



اذیت کردن دوست

رسول خدا (ص): هر که داستانی از برادر دینی خود بگوید که قصدش خراب کردن دوست خود باشد تا او را از چشم مردم بیندازد خدا او را از ولایت خود بیرون کند و در ولایت شیطان گذارد و شیطان هم از او دوری گزیند.

امالی صدوق صفحه ۴۸۶

نیت چیست؟

آیت الله العظمی جواد آملی

نیت جان عمل است. این که می گویند در هنگام عبادت نیت کنید، به این معنا نیست که مثلاً هنگام خواندن نماز انسان در ذهن خود ترسیم کند که چهار رکعت نماز ظهر بجا می آورم «قربه الی الله». بلکه نیت، انبعاث و پرش روح است. اگر انسان از طبیعت پر کشید و بالا آمد، می گویند نیت کرده و گر نه اخطار حصولی و مفهوم ذهنی است و حداقل عبادت ماست که واجب ادا شود و اعاده و قضا نخواهد. اما آن نیتی که باطن عمل به آن وابسته و از عمل بالاتر است، انبعاث روحی است که روح پرواز می کند، همان نیتی که از عمل برتر است. از این رو گفته اند: خدای سبحان را با نیت های صادق مستثنت کنید.

صحت عبادت مشروط به نیت است که بدون آن عمل باطل خواهد بود و چون نیت دارای درجاتی است، خود صحت هم مراتب دارد.

از آن جا که مواضع مهم روز قیامت عبارت است از: آتش، بهشت و رضوان و از طرفی نفس انسان دارای سه حالت شهوت، غضب و عقل کمال طلب است، لذا عبادت هم سه قسم و عبادت کنندگان به سه گروه تقسیم می شوند: گروهی خدای سبحان را به جهت ترس از جهنم و آتش عبادت می کنند که این عبادت بردگان است. گروه دیگر خدا را برای رسیدن به بهشت و نعمت های آن عبادت می کنند این عبادت بازرگانان و تجار است. و گروه سوم خدا را فقط برای محبت و دوستی نسبت به آن ذات متعال عبادت می کنند، این بالاترین مرتبه عبادت است که از آن به عبادت احرار تعبیر شده است. همه این عبادت ها صحیح است، ولی مراتب ثواب پاداش آن یکسان نیست.

پس نیت که همان قصد قربت است، جان و روح عمل بوده و از خود عمل بالاتر و مهمتر است، چون حیات و زندگی عمل به نیت بستگی دارد و پاداش اعمال، براساس نوع نیت و قصد انسان، مراتبی گوناگون دارد.



برتری نیت از عمل

خدای سبحان در کتاب خود فرمود: (خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) مرگ و زندگی هر دو وسیله آزمایش اند تا روشن شود که کدام یک از شما از نظر اعمال احسن از دیگران هستید. (عملاً) بدان معناست که کدام یک از شما بیش از دیگران عبادت می کنید، زیرا سخن از کمیت نیست.

شخصی از امام صادق (ع) در خصوص معنای آیه سوال کرد. حضرت فرمود: کسی اهل صواب و حقیقت است که بیشتر از خدا بترسد و دارای قلب خالص باشد. عمل وقتی خالص است که منظور انسان این نباشد که کسی از او تعریف کند. (نگوید که از ما تشکری نکردند) حیف است انسان عمل عبادی خالص انجام بدهد، آنگاه از دیگران توقع تشکر داشته باشد.

چشمه های فیض

محمد مهدی شیربعمدار

زیارت نامه ها، زائر مؤمن عاشق را با چشمه های فیض و رحمت و غفران الهی پیوند می دهند. باور داریم که پیامبر (ص) و امامان (ع) ما، زائر را می بینند و کلام او را می شنوند و سلام او را پاسخ می دهند. پس چه بهتر که زائر نیز با خشوع به زیارت آنان رود و از معنای کلماتی که بر زبان می راند، آگاه باشد. زیارت نامه ها عناصر بیانی و مفهومی مشترک دارند: اذن دخول، سلام و صلوات، اعتقاد و اذعان به حرمت معصومان (ع)، حلقه فرشتگان بر قبور مطهر آنان، گواهی به ادای واجب و ایفای رسالت از سوی آنان و درخواست غفران و رحمت الهی. در این نوشتار کوشیده ایم که مفاهیم خاص هر یک از زیارت نامه های مدینه منوره را بیان کنیم تا راهنمای زندگی ما باشد. برای پیامبر اکرم (ص) دوز زیارت مشهور نقل شده است که در آنها آفت به مؤمنان و شدت با کافران، باز نخستین ویژگی های پیامبر (ص) ذکر شده که اسوه حسنه مادر زندگی است و ما به وسیله او از شرک و گمراهی نجات یافته ایم.

در زیارت پیامبر (ص)، علاوه بر بیان وحدانیت خدا و رسالت او و پاره ای از احکام دین به این وعده قرآن تأکید شده آنان که به خود ستم کرده اند و به سوی پیامبر (ص) آیند و استغفار کنند و پیامبر نیز برای آنان مغفرت بخواهد، خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت و چه خوب که

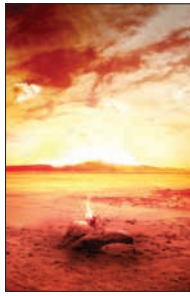
زائر حرم نبوی از این فرصت بهره گیرد و پاک از این سرزمین برگردد. بی گمان خدا، صدای زائر را خواهد شنید. در این زیارت خدایی را می خوانیم که به وسیله پیامبر (ص) آمرزش گناهان و پنهان داشتن عیبها و گشایش در سختی ها و رفع بلا و اجابت دعا و رحمت به عباد و آبادانی بلاد و هلاکت جباران و افزایش روزی و... را ارزانی می دارد. هم از این روست که در زیارت خود صلوات و برکات و خیرات و تحیات و تسلیم و رحمت و کرامت او و درود فرشتگان و پیامبران و عباد صالح و اهل آسمان ها و زمین و تمام تسبیح گوینان را نثار پیامبر (ص) و اهل بیتش می کنیم.

در زیارت پیامبر (ص) می گوئیم که ای رسول الله، برای ادای وظیفه الهی به سوی تو هجرت کرده ایم، اگر در زمان حیات تو نبوده ایم، پس از رحلت به دیدارت آمده ایم و می دانیم که پیکر مطهرت همان حرمت زمان حیات تو را دارد. می دانیم که تو را منزلتی رفیع نزد خدای محبان است که شفاعت تو را می پذیرد و دعای تو را می شنود و ما با پیامبر بیعت می کنیم و پیمان می بندیم و از خدا می خواهیم که تا زمان مرگ و روز رستاخیز بر آن عهد وفادار بمانیم. زیارت پیامبر (ص) هم درس زندگی است و هم وسیله تقرب و پناه به حق و هم مایه دلگرمی.

اللهم اليك الجات امری و الی قبر نبیک اسندت ظهري

پیرامون حلال و حرام

پیامبر اکرم (ص): هر کس یک مساله شرعی از احادیث ما پیرامون حلال و حرام و مسائل دینی اش را بیاموزد خدای تعالی هزار گناه او را بیامرزد و شهری از طلا به وسعت دنیا برایش در بهشت بنا کند و به عدد هر موئی که در بدنش قرار دارد برایش حج مقبول می نویسند.
بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۲۱۴



فلسفه

حکمت احرام

نخستین گام حج یا عمره، «احرام» است. چرا احرام و چرا از میقاتی معین؟ این که کیفیت انجام حج، مقید به قیود و آدابی است، درس تربیتی در مسیر عبادت، خضوع و تسلیم در آستان خداوند است. حتی اگر راز آن را ندانیم، خود این فرمان و لزوم اطاعت آن، سازندگی دارد و گردن نهادن به حکم خدای حکیم، نشانه ایمان عمیق است. در قرآن نیز تن دادن به داوری خدای دلیل ایمان راستین است.

به هر حال حکمت احرام آن است که وقتی زائر به میقات می رسد، در ذهن خویش صورت اقدام برای ورود به حرم الهی و مراعات محرمات و حرمت نهادن به اوامر خدا را ترسیم کند و همه اعمال را با همین نیت و ذهنیت انجام دهد. برای این که این احساس در جان زائر اثر عمیق بگذارد، خواسته شده که وضع ظاهری خویش را - که نمودی از شئون دنیوی و حال اهل دنیا است - تغییر دهد و لباس آخرت بپوشد و شبیه آنان گردد که با مرگ به آخرت قدم می گذارند و



از جامه های دنیوی عریان می شوند. این حالت، خضوع انسان در پیشگاه خدا و قطع وابستگی به جلوه های دنیوی را در پی دارد. بر زبان آوردن ذکر «لبیک»، بیانگر آمادگی روحی برای پذیرش هر ندا و فرمانی است که تکلیف شرعی را در بر دارد؛ چه امر باشد چه نهی.

فریضه هایی چون نماز، روزه، خمس، زکات و جهاد، با همه مفاهیمش به نحوی در دل حج نهفته است و احرام آغاز پایبندی به انجام فرمان نسبت به «امساک» هایی است که در طول حج خواهد داشت. مشقت های حج و نماز طواف و قربانی و... همان رهاوردها را دارد که عبادات یاد شده داراست.

احرام محرم را یاد یگران همسان می سازد و امتیازات و رمزهای تشخیص و نمودهای برتری را از میان برمی دارد و همگان را یکسان در پیشگاه خدا به تکرار شعار واحد می کشاند: «لبیک اللهم لبیک...»



گفت: بلی، چنین اتفاقی افتاده است. حضرت فرمودند: آیا در آن وقت دلت متوجه به جایی بود و ملجأ و پناهی می جست و از موجودی خواهش می کرد که تو را نجات دهد؟ گفت: بلی. فرمودند: او همان خداست. البته فرق است بین این که میلی در وجود انسان باشد و این که انسان آن میل را کاملاً بشناسد و هدف آن را بداند. میل به شیر خوردن از ابتداء در کودک هست و کودک وقتی که گرسنه می شود این میل تحریک می شود و او را هدایت می کند که در جست و جوی شیر مادر برآید و اگر نیافت، گریه کند. خود گریه کردن استمداد از مادر است، مادری که هنوز او را نمی شناسد. خود طفل هیچ نمی داند این میل چیست و گریه برای چیست. ما نسبت به میل های عالی انسانی، میل خدا جویی و خدا خواهی و میل به دعا و پناه بردن به درگاه خدای نادیده، حالت همان طفل نوزاد را داریم.

همچو میل کودکان با مادران / سر میل خود نداند در لبان
همچو میل مفرط هر نو مرید / سوی آن پیر جوان بخت مجید
جزو عقل این از آن عقل کل است / جنبش این سایه زان شاخ گل است
سایه اش فانی شود آخر در او / بس بداند سر میل و جست و جو
البته اگر شیر مناسب با معده طفل نبود، غریزه هم او را به آن طرف هدایت نمی کرد. بین این میل و آن غذای موجود پیوستگی هست. هم چنین است سایر میل های وجود انسان. هیچ میلی به عبث در وجود انسان گذاشته نشده است. همه میل ها از روی احتیاج و برای رفع احتیاج گذاشته شده است.

فقط در گرفتاری ها دعا می کنند

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَا لِحَبِيْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِيْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُوْنَ
و چون انسان را آسیبی رسد، ما را به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده می خواند، و چون گرفتاریش را بر طرف کنیم، چنان می رود که گویی ما را برای گرفتاری که به او رسیده خوانده است. اعمال مسرفان این چنین در نظرشان آراسته شده است. (یونس - ۱۲)
قرآن مرتباً گوشزد می کند که در گرفتاری هایتان، با خدا عهد و پیمان می بندید که اگر خداوند این مشکل را حل کند، در راه او مطیع او خواهیم بود، اما بعد از نجات و رهایی، راه خود را می روید و موفقیت ها را به دانش و تلاش خود نسبت می دهید نه به لطف و احسان خداوند. البته این آیات حاکی از فطری بودن نیایش دعا و در وجود انسان هاست، اما افسوس که انسان غافل از این زمینه ذاتی خود بهره مفید و دایمی نمی برد.
هر کس از دل خود به خدا راه دارد. دری از همه دل ها به سوی خدا هست، حتی شقی ترین افراد در موارد گرفتاری و ابتلا، در وقتی که اسباب و علل به کلی از او منقطع می شود، تکانی می خورد و به خدا پناه می برد. این میلی فطری و طبیعی است در وجود انسان، اما پرده گناه و شقاوت گاهی روی آن را می گیرد. در سختی ها، که پرده زایل می شود، خود به خود این میل تحریک می شود و به هیجان در می آید. شخصی از حضرت صادق (ع) پرسید: چه دلیلی بر وجود خدا هست؟ فرمودند: آیا تاکنون کشتی سوار شده ای؟ گفت: بلی. فرمودند: آیا اتفاق افتاده که هوا طوفانی شود و کشتی در شرف غرق شدن باشد و امید تو از همه جا بریده شود؟

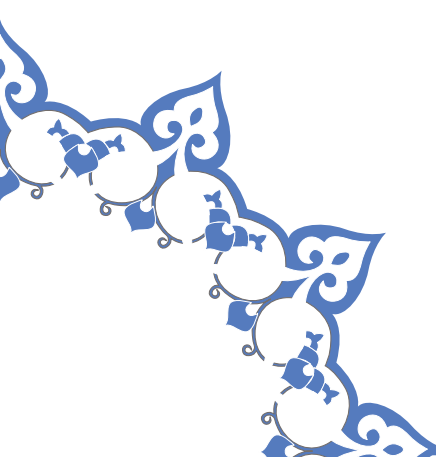
قرآن و عترت محور وحدت

و رمز سعادت جامعه اسلامی و نجات مسلمین را در تمسک به قرآن و عترت بیان می دارد که اگر امت اسلامی و جامعه مسلمانان به این حبل مستحکم الهی و مورد توصیه پیامبر بزرگ اسلام چنگ زنند و آن را محور و مبنای اتحاد اسلامی قرار دهند به وحدتی پایدار دست خواهند یافت.

سنت و سیره اهل بیت (ع) در طول حیات با برکشتن در اوج دوران بحرانی و پرتلاطم و اضطراب دنیای اسلام و تعصبات فرقه ای، بر حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و همگرایی مسلمانان استوار بود و با تمام شواهد و سختی ها هیچ گاه از این اصل اساسی غفلت نکردند و همواره توصیه به قرآن و مدارا و گذشت بر این بنیان تاکید کردند.

امروز با درک و شناخت ضرورت ها و نیازها و به یمن تلاش عالمان و فرهیختگان متعهد جهان اسلام، اتحاد ملل و جهان اسلام به عنوان یک اصل اساسی پذیرفته شده و مورد وفاق همگان است اما آنچه شایسته است متولیان و اندیشمندان اسلامی برای آن چاره اندیشی کنند، تحکیم و تعمیق این وحدت دینی است و این امر هنگامی امکان پذیر خواهد بود که بر اساس محور و اصولی روشن و قابل قبول انجام گیرد. اصول و اساسی که بر خاسته از متون و بر مبنای آموزه های دینی باشد.

سنت و سیره رسول الله (ص) که مورد اجماع و اتفاق فرق مختلف اسلامی و مورد تاکید و توصیه قرآن کریم است راز



تکبیر نفس

رسول خدا (ص): روزی شیطان در جلوی موسی (ع) ممثل شد پس موسی (ع) به شیطان گفت کدام گناهست که چون فرزند آدم مرتکب آن می شود تو بر او مسلط می شوی شیطان گفت وقتی که از خود راضی باشد و عمل های خیر خود را بسیار شمارد و گناهانش در چشم او اندک نماید. عین الحیوة صفحه ۱۸۲



مجله سوره جدید
دوره جدید - شماره ۸
۲۸ شهریور ۱۳۹۳
۲۲ ذی القعدة ۱۴۳۵
18 September 2014

حجت الاسلام والمسلمین حسین انصاریان

کمیل بن زیاد نخعی

دانشمندان و علمای بزرگ چه شیعه و چه سنی کمیل را به قوت ایمان، و قدرت روح، و اندیشه پاک، و خلوص نیت، و متخلق به اخلاق حمیده، و آراسته به اعمال شایسته ستوده اند.

بزرگان هر دو مسلک بر عدالت و جلالت و عظمت و کرامت او اتفاق نظر دارند.

کمیل از خواص و بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین و حضرت مجتبی علیهما السلام است. (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام کمیل را یکی از ده نفر یاران مورد اطمینانش به حساب آورده است. (۲)

کمیل از بهترین شیعیان و عاشقان، و محبان، و علاقه مندان به امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. (۳)

مسائل و سفارشات و وصایایی که امیرالمؤمنین به کمیل داشته از ایمان عظیم و معرفت فوق العاده کمیل حکایت دارد. (۴)

حتی اهل سنت، کمیل را در همه امور مورد اطمینان معرفی کرده اند. (۵)

عرفا و صاحبان، و اهل سیر و سلوک، و مشتاقان لقای محبوب کمیل را صاحب سر امیرالمؤمنین، و خزینه معارف معنوی مولی الموحدين می شناسند.

کمیل هیجده سال روزگار نورانی، و عصر بابرکت پیامبر بزرگ اسلام را دریافت و از انوار ملکوتی نبوت بهره مند شد.

کمیل انسانی بزرگوار، و موجودی شریف و پاک است، که به خاطر لیاقتش به دست حجاج بن یوسف ثقفی به شرف شهادت نایل آمد، شهادتی که محبوبش علی علیه السلام از وقوعش به او خبر داد.

حجاج بن یوسف خونخوار، زمانی که از جانب حاکم ستمگر اموی والی عراق شد به جستجوی کمیل برخاست تا او را به جرم محبت اهل بیت، و به گناه شیعه بودن که در فرهنگ بنی امیه بالاترین گناه بود به قتل برساند.

کمیل خود را از حجاج پنهان داشت، حجاج حقوق منسوبان و اقوام کمیل را از بیت المال قطع کرد، زمانی که کمیل از قطع حقوق اقوامش آگاه شد، گفت از عمر من چیزی نمانده، شایسته نیست وجود من سبب قطع رزق و روزی گروهی شود، لذا از محل و مرکزی که پنهان بود درآمد و به نزد حجاج رفت، حجاج گفت برای به کیفر رساندن در جستجوی تو بودم، کمیل گفت:

آنچه از دستت برآید انجام ده، از عمر من جز زمانی اندک نمانده است، در این نزدیکی باز گشت من و تو به سوی خداست، مولای من به من خبر داده، که قاتل من تویی، نگاه حجاج فرمان داد تا سر مقدس آن مرد الهی و چهره ملکوتی را در حالی که در آستانه سن نود سالگی قرار داشت، از بدن جدا کردند، اکنون مرقد مطهر او در منطقه ثوبه بین نجف و کوفه معروف خاص و عام، و

زیارتگاه اهل دل است.

دعای کمیل

عارفان عاشق، و عاشقان عارف، بیدار دلان منصف، و شایستگان به حقایق متصف، جایگاه دعای کمیل را در میان همه دعاها چون جایگاه انسان در میان همه

شرحی بر دعای کمیل



شفیة القلوب اسئل الله
خداوند به دست او دل های مسلمین را تسکین می بخشد

استفاده از فرصت ها

رسول گرامی (ص): در ایام زندگی اوقاتی فرا میرسد که در معرض نسیم حیات بخش الهی قرار می گیرید و فرصت مناسبی بدست می آورید که برای آخرت خود بهره ای شایان ببرید پس بکوشید از آن فرصت ها استفاده کنید و خویشتن را در مسیر فیض الهی قرار دهید.
محجة البیضاء جلد ۵ صفحه ۱۵



سلامت زائر

لطفاً موارد زیر را به دقت مطالعه و به آن عمل کنید:

۱. با پزشکان حج نهایت همکاری صادقانه را داشته باشید و در صورتیکه مبتلا به بیماری هستید حتماً آنها را مطلع نمایید. توجه داشته باشید که پزشک کاروان مسئول اصلی سلامتی شماست. لذا با اطمینان کامل به وی همه مشکلات و ناراحتی های جسمی خود را در میان بگذارید و بدون نظر وی به هیچ پزشک یا مرکز درمانی دیگری مراجعه نفرمایید، تا از تداخلات درمانی و دارویی مصون بمانید.
۲. چنانچه به دلیل ابتلاء به بیماری خاص و مزمن به طور مدام، دارو مصرف می کنید حتماً داروی مصرفی خود را به میزان ۳۰ روز (طول شبانه روز) از ایران تهیه نموده و به همراه خود داشته باشید.
۳. نسبت به تلقیح واکسن های مورد نیاز در اسرع وقت اقدام نموده و کارت مربوط را همراه داشته باشید.
۴. بانوان زائر و به ویژه گروه سنی ۱۵ تا ۵۰ سال حتماً قبل از سفر به متخصص زنان مراجعه نموده و دستورات ایشان را عمل نمایند.



۵. در تمام طول سفر و به خصوص در صورت مراجعه به مرکز درمانی حتماً کارت شناسایی را به همراه داشته باشید.
۶. در صورت ابتلاء به بیماری در طول سفر، ابتدا به پزشک کاروان خود مراجعه نمایید و اگر نیاز به خدمات درمانی تکمیلی یا تخصصی داشته باشید، پس از تکمیل فرم ارجاع توسط پزشک حج به بیمارستان های مرکز پزشکی در مکه مکرمه و مدینه منوره مراجعه فرمایید. بدهی است بیماراران اورژانسی بصورت مستقیم نیز پذیرش می شوند.
۷. در پایان، مجدداً تاکید می شود تا در عبور از خیابان ها مراقب باشید، و در صورتیکه به گرفتاری های تنفسی مبتلا هستید، در زمان بازگشت به مهین مراقب انتقال بیماری خود به دیگران باشید.

موجودات می دانند، یعنی چنانکه انسان را اشرف خلائق به حساب می آورند، دعای کمیل را اشرف دعاها می شمارند و از آن تعبیر به انسان الادعیه می کنند.

نظر و رای دقیق علامه کم نظیر، محقق خبیر و حدیث شناس آگاه حضرت مجلسی بر این است که دعای کمیل بهترین دعاهاست.

مجلسی بزرگوار در کتاب «زادالمعاد»، به نقل از کتاب «اقبال» سید بن طاووس می نویسد: کمیل گفته: روزی در شهر بصره خدمت مولایم علی علیه السلام ننشسته بودم، سخن از شب پانزدهم شعبان به میان آمد، حضرت فرمود: هر که آن شب را به عبادت زنده بدارد، و دعای حضرت خضر را بخواند یقیناً دعایش مستجاب می شود، وقتی حضرت به منزل بازگشت، خدمتش مشرف شدم، چون مرا دید فرمود: برای چه کاری آمده ای؟ گفتم به طلب دعای خضر به حضور آمده ام. فرمود: بنشین، سپس به من خطاب کرد: ای کمیل هنگامی که این دعا را حفظ کنی در هر شب جمعه یا ماهی یکبار، یا سه سالی یکبار، یا به عمر یکبار بخوان، خواندن این دعا تو را از شر دشمنان کفایت می کند، باری می شوی، روزیت می دهند، و گناهات آمرزیده می شود.

ای کمیل طول مصاحبت و خدمت سبب شد که تو را به چنین نعمت و کرامتی سرفراز کنم، سپس فرمود بنویس و دعا را به من تلقین فرمود.

عالم ربانی، مناجاتی عارف، مرحوم کفعمی، در کتاب باعظمت مصباح صفحه ۵۵۵ می نویسد: امیرالمؤمنین علیه السلام این دعا را در حال سجده قرائت می کرد!!

خواننده این دعا در شب جمعه پس از رعایت شرایط دعا بهتر است دعا را به سوی قبله، و با بدنی فروتن، و دلی خاشع، و نیتی خالص و چشمی اشکیار، و صدایی محزون قرائت کند، بدون شک دعا با چنین کیفیتی به مقام اجابت نزدیک، و ظهور آثارش حتمی است. (۶)

چشم اشکیار در پیشگاه حضرت حق از اعتباری عظیم، و ارزشی والا بر خوردار است، و اشک چشم، و گریه با سوز، سبب آمرزش گناه، و خاموش شدن آتش غضب رب، و عامل جذب رحمت حق به سوی گریه کننده است. (۷)

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: چیزی نیست مگر اینکه برای آن پیمان و وزنی است جز گریه، قطره ای از آن دریاها را از آتش را خاموش کند، هنگامی که چشم به اشک بنشیند، چهره تیرگی و خواری نبیند، و چون اشک روان گردد، خدا آن را بر دوزخ حرام گرداند، به راستی اگر در امتی یک گریان باشد، همه مورد ترحم قرار گیرند. (۸)

و نیز از حضرت فرمود: هر دیده ای در قیامت گریان است مگر سه دیده، دیده ای که از آنچه خدا حرام کرده بر هم نهاده شده، و دیده ای که در راه خدا بیداری کشیده، و دیده ای که در دل شب از بیم خدا گریسته. (۹)

بسم الله الرحمن الرحيم
شروع دعای شریف کمیل با منبع نوری بی نهایت چون بسم الله، احتمال دارد به سبب چند دلیل باشد:

۱- امیرالمؤمنین (ع) از رسول خدا (ص) و رسول خدا از پروردگار جهانیان روایت کرده که: پروردگار فرمود: «کل امر ذی بال لم یبدء ببسم الله فهو ابتر» (۱۰) هر کار بزرگی که در آن ابتدا به نام خدا نشود، تباه و ضایع است، و به محصول و نتیجه نمی رسد.

۲- طبرسی در کتاب پرفیض «مکارم الاخلاق» از موسی بن جعفر (ع) روایت می کند: «ما من احد دهمه امر نعمه او کربة کر به فرغ راسه الی السماء ثم قال ثلاث مرات بسم الله الرحمن الرحيم الافرج الله کربته و اذهب غمه؛ هیچ کس نیست که او را غم و غصه ای فرا گیرد و سر خود را به آسمان بردارد و سه بار بسم الله الرحمن الرحیم بگوید، مگر این که خدا ناراحتی را بر طرف کند، و غصه اش

را از میان بردارد.»
۳- در حدیث بسیار مهمی آمده: «لا یرد دعاء اوله بسم الله الرحمن الرحیم؛ دعایی که ابتدایش بسم الله الرحمن الرحیم باشد، مردود در گاه حق نمی شود.»

۴- رسول خدا (ص) زبانه های آتش دوزخ را نوزده عدد شمرده اند و فرموده اند: کسی که بخواید خدای تعالی او را از این نوزده زبانه رهایی بخشد، اشتغال به خواندن بسم الله الرحمن الرحیم که نوزده حرف است پیدا کند، تا خدای مهربان هر حرفی از آن را سپرد و حایلی از آن نوزده زبانه قرار دهد.

۵- از رسول خدا (ص) روایت شده: هر گاه آموزگاری بسم الله الرحمن الرحیم را به کودک بیاموزد، خدای تعالی برای آن کودک و پدر و مادر و آموزگارش برات آزادی از دوزخ ثبت کند.

۶- از پیامبر اسلام روایت شده: اتمم را در قیامت به جایگاه محاسبه اعمال نگاه دارند، و اعمالشان را به ترازوی سنجش نهند، خوبیهایشان بر بدیهایشان سنگینی کند، امت های گذشته فریاد بر آورند که با خوبیهای اندکشان، چرا کفه خوبیهای بدیها سنگین تر آمد؟ پیامبرانشان پاسخ گویند: برای اینکه ابتدای گفتارشان سه نام از نام های حق بوده: الله، رحمن، رحیم. که اگر آن نام ها را در کفه ای نهند، و دیگر حسنت و سیئات بنی آدم را در کفه ای، کفه آن سه نام سنگین تر آید.

۷- از حضرت رضا (ع) روایت شده که بسم الله الرحمن الرحیم (اسم اعظم حق) از سیاهی چشم به سببیدی آن نزدیک تر است. بدون شک، اگر دعا (بخصوص دعای کمیل) با اسم اعظم حق شروع شود، یقیناً به اجابت می رسد و خواننده اش همراه با خواسته هایش مورد پذیرش حق قرار گیرد.

بسم الله شراب طهوری است که وقتی کام جان و گلولی قلب از دست ساقی عشق سر کشند، وجد و حالی و نشاط و شوری بیرون از توصیف پیدا می کند و مجذوب جاذبه معشوق می شود و تار سیدن به وصال محبوب سسر از پا نشناخته بدون خستگی و سستی راه را طی می کند.

از می عشق مست خواهیم شد
وز نگاهی ز دست خواهیم شد
پیش بالای سر و بالای
خواهم افتاد و پست خواهیم شد
غمزه بار اگر بود ساقی
باده ناخورد مست خواهیم شد
گر از این دست باده ای خواهد
می کش و می پرست خواهیم شد
در ره او زبای خواهیم ماند
رفته رفته ز دست خواهیم شد
گر چه در عشق نیست گشتم فیض
باز از عشق مست خواهیم شد

منابع:

۱. مستدرکات علم الرجال ج ۶، ص ۳۱۴.
۲. رسائل سید مرتضی.
۳. بحار، ج ۳۳، ص ۳۹۹.
۴. همان، ج ۷۷، ص ۲۶۶.
۵. مستدرکات علم الرجال، ج ۶، ص ۳۱۴.
۶. محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۸۸-۲۹۵.
۷. محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۸۸-۲۹۵.
۸. اصول کافی، ج ۶، ص ۵۴-۵۶.
۹. اصول کافی، ج ۶، ص ۵۴-۵۶.

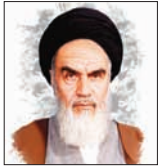


میزان

کیست که، توحید - شعار معنویت و وحدت مسلمین - را در حج ببیند و نفهمد که این اجتماع عظیم، برای این است

که اسلام و توحید به رخ کفر کشیده شود؟! به خلاف آنچه امروز دشمنان می خواهند، در حج، توحید در مقابل شرک

سینه سپر می کند. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج (۱۳۷۴/۰۱/۱۶)



صراط

به حجج محترم و زائران بیت‌الله الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می کنم شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو

دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدار مشترک دارید، که با ایجاد اختلاف به واسطه اعمال بدبخت خود و رسانه های گروهی و تبلیغات تفرقه افکن در طول تاریخ، بویژه در سده های اخیر و بالأخص در عصر حاضر، همه دولت‌ها و ملت های اسلامی را در اسارت کشیده اند.

صحیفه امام ۱۳۶۴/۵/۲۵

بچونه از ایران

هزار کیلومتر از جاده ها زیر پوشش سامانه هوشمند

رئیس پلیس راهور کشور با بیان اینکه ۱۰ هزار کیلومتر از جاده های کشور زیر پوشش سامانه هوشمند قرار دارند، گفت: امیدواریم که این پوشش در یکی دو سال آینده به ۳۰ هزار کیلومتر برسد زیرا ۷۰ درصد تردد جاده ای در همین جاده ها صورت می گیرد. سردار اسکندر مومنی در برنامه گفتگوی ویژه خبری سه شنبه شب شبکه دوم سیما با اشاره به کاهش تلفات ناشی از تصادف از ۲۸۰۰۰ به ۱۸۰۰۰ گفت: درصد زیادی از این کاهش مرهون رعایت و قانون پذیری مردم بوده است.

زمینه تحقیقات مشترک میان دانشگاه های آریزونا و شریف فراهم است

رئیس دانشکده مهندسی ساختمان دانشگاه آریزونا آمریکا گفت: دانشگاه های صنعتی شریف و آریزونا برای افزایش همکاری های علمی در زمینه های مختلف به ویژه در زمینه شهرهای پایدار، اراده جدی دارند. پروفسور 'کویین لانسلی' Kevan Lansey که به دعوت دانشگاه صنعتی شریف برای شرکت در همایش بین المللی شهرهای پایدار به ایران سفر کرده است روز گذشته اظهار کرد: آریزونا هم مانند ایران با مشکل کمبود آب روبه رو است و ما فعالیت های زیادی برای استفاده از انرژی خورشیدی در این منطقه انجام داده ایم.

دستیابی محققان کشور به دانش فنی فولادهای نانو ساختار

محققان دانشکده صنعتی اصفهان موفق شده اند به نحوی ساخت نانو کامپوزیت فولادی با محدوده اندازه دانه ۵۰ تا ۱۰۰ نانومتر دست یابند. به گزارش ستاد ویژه توسعه فناوری نانو، این فولاد که در ساخت آن از نانوذرات استفاده شده است، می تواند در صنعت اتومبیل سازی و به خصوص ساخت بدنه خودرو و همچنین در صنایع هوافضا به کار رود. فولادهای عاری از عناصر بین نشین (IF) فولادهایی هستند که دارای مقدار کربن و نیتروژن بسیار کمی هستند. این دسته از فولادها در شرایط درشت دانه دارای انعطاف پذیری بالایی هستند، اما استحکام تسلیم پایینی دارند.

بخش دوم

راه مصریان

مصریان نیز برای آمدن به حج راه مخصوص خود را داشتند. روزگاری طولانی از زمان طولونیان و سپس فاطمیان، و بعدها مماليک، حرمین زیر سلطه مصر بود و اقتصاد حرمین از ناحیه کمک های مصریان تأمین می گردید. حجج مصری نیز راه مخصوص به خود را داشتند. آنان با شکوه تمام از فسطاط به سمت قاهره حرکت کرده رو به جنوب می آمدند. طی دو قرن بندری بر ساحل غربی دریای سرخ با نام عَیْذاب بود که حجج مصری از آن بندر سوار کشتی شده به این سوی دریا آمده و از جده عازم مکه می شدند. اما پس از رفع موانع به خصوص بازپس گرفتن ایله (عقیه) از صلیبیان دوباره این مسیر مورد استفاده قرار گرفت و بندر عیذاب به تدریج نابود گردید.

مسیر حجج مصری از شمالی ترین نقطه دریای سرخ و از حاشیه غربی این دریا با گذر از سیناء به سمت نخل بود. در واقع آنان این مسیر را به سمت جنوب و تا مکه ادامه می دادند. برای این مسیر هم منازل فراوانی است که در کتاب های خاص به خصوص سفرنامه ها فراوان از آنها یاد شده است. مصریان نیز محمل خاص خود را داشتند.

راه حجج مغربی

حجج مغربی و دیگر بلاد آفریقیه از الجزایر و پیش از آن از اندلس راه طولانی را برای رسیدن به اسکندریه و قاهره طی کرده و سپس همراه کاروان مصریان یا اندکی پیش و پس از آنان، راهشان را از همان راه مصریان به سوی مکه ادامه می دادند. مسیری که حجج مغربی و آفریقی انتخاب می کردند یکبار مسیر دریایی از سمت صقلیه و سیسیل و رسیدن به اسکندریه و از آنجا از راه زمینی بود. و بار دیگر از راه خشکی مسیری را در شمال قاره سیاه طی کرده و عازم قاهره می شدند. هر بار به دلیل مشکلات سیاسی ممکن بود راه های طولانی تری را هم انتخاب

راه های حج در قدیم

کنند. مغربی ها به رغم دوری راه نفوذی بس فراوان در مکه داشتند و شمار زیادی از آنان در مدینه ساکن شده بودند. در یک مقطع تاریخی بیشتر خواجهگان حرم نبوی، از مغربی ها بودند.

راه یمن

که فراوان هم بودند، به عراق و شام منتقل شدند. این منطقه همیشه علاقه مند به اسلام بوده و شمار فراوانی از آنان برای کار و عبادت به مکه آمده در آنجا ماندگار می شدند. یمن در امر حج تأثیر خاص خود را داشت و در ادواری بر مکه تسلط هم داشت.

حجاج یمن در راه برای رسیدن به مکه داشتند: یکی راه داخلی و دیگری راه ساحلی دریای سرخ. راه ساحلی از صنعاء تا مکه شامل ۲۱ منزل بود. اما راه داخلی از صنعاء به صعده می آمد و با گذر از راههای کوهستانی و گذر از عسیر و جرش و بیشه و تباله و تره به قرن المنازل می رسید.

آنان در مواردی از راه سوومی که راه دریایی بود نیز استفاده کرده از یمن نیز که از نخستین مناطقی بود که مردمانش به اسلام گرویدند و قبایل ساکن در سواحل یمن سوار بر کشتی شده در جده یا یمنع پیاده شده و به مکه یا مدینه می آمدند.

راه نخسا یا عمان

سرزمین های سواحل جنوبی خلیج فارس از دیر زمان سرزمین هایی با ساکنانی از قبایل عرب و مهاجران ایرانی بوده و در بسیاری از ادوار تاریخی زیر سلطه مستقیم ایران قرار داشته



است. عمان، و بحرین به معنای کهن آن شامل بیشتر مناطق ساحلی تا نزدیکی بصره، به طور معمول از راهی به نام لحساء عازم حج می شدند. این مسیر از احساء به سمت بخش مرکزی جزیره العرب یعنی بریده و حائل رفته و از آنجا به سمت مکه می رفت. این راه طولانی و بسیار خطرناک است. در این اواخر مسافران این راه از ریاض هم می گذشتند. شماری از مردم این نواحی از سواحل اقیانوس هند به سمت حصر موت رفته از آنجا عازم یمن شده و با کاروان یمنیان از سواحل دریای سرخ عازم مکه می شدند.

حجاج استانبول

با گشوده شدن استانبول در نیمه قرن نهم هجری به روی اسلام و استقرار مرکزیت دولت عثمانی در آنجا، از این شهر نیز کاروان بزرگی به سمت حجاج حرکت می کرد. نیمه دوم این راه همان راه شام بود، اما این کاروان بزرگی بود که جمعیت فراوان ترکان و حمایت دولت عثمانی پشت سر آنان بود. کاروان مزبور حرکت خود را به صورت منظم از استانبول آغاز کرده به سمت قونیه می آمد. سپس از آنجا به سمت شهرهای ساحلی دریای مدیترانه آمده و در راه جنوب خود عازم شام می شد. در آنجا جمعیت کثیری از مردم شامات نیز اجتماع کرده و همگی تحت عنوان محمل شام به حرمین می آمدند. راه مزبور تا سال ۱۲۸۱ راه زمینی بود، اما از سال یاد شده، کاروان حج عثمانی از دریا (مسیر استانبول به دریای مدیترانه و از آنجا از طریق کانال سوئز به دریای سرخ و رفتن به بندر جده) حرکت کرده و تا جده می آمد. در این دوره به تدریج راه خشکی که از میان آسیای صغیر می گذشت و به شام می آمد متروک گردید. ده ها کتاب با عنوان منازل نامه درباره این راه، شهرها و روستاهای میان راه که حاوی اطلاعاتی درباره آنهاست نوشته شده.

بر گرفته از کتاب تاریخ مکه و مدینه نوشته حجت الاسلام والمسلمین جعفریان